

ازمیان خبرها

ماجرای کلاهبرداری پوشاکی در فضای مجازی

لباسی که هیچ وقت به تن نرفت!

توکلی - فروشنده کلاهبردار پوشاک در فضای مجازی در حالی دستگیر شد که در پی شکایت شهروندی به پلیس فتای کرمان، مبنی بر این که با هدف سفارش پوشاک در یکی از شبکه های اجتماعی از او کلاهبرداری شده است، موضوع در دستور پلیس فتای کرمان قرار گرفت.
به گزارش خبرنگار ما، شاکي با حضور در مقر پلیس، در اظهاراتی بیان کرد: در یکی از شبکه های اجتماعی باتبلیقی روبه روشدم که در زمینه فروش پوشاک فعالیت می کرد، برای خرید لباس مد نظر با صاحب آگهی تماس گرفتم و به منظور خرید مبلغ مد نظر را به حساب فروشنده واریز کردم و پس از دریافت مبلغ، هیچ کالایی را دریافت نکردم.
سرهنگ یادگارنژاد رئیس پلیس فتای استان کرمان در این باره بیان کرد: با انجام تحقیقات علمی، پلیسی و بررسی های فنی و تخصصی کارشناسان سایبری در فضای مجازی، فرد کلاهبردار شناسایی و دستگیر شد.
این مسئول انتظامی افزود: متهم پس از انتقال به مقر انتظامی، در بازجویی های ماموران به جرم ارتكابی اعتراف کرد و به همراه پرونده برای سیر مراحل قانونی به دادسرا تحویل شد. وی اظهار کرد: در زمان خرید اینترنتی تحت هیچ شرایطی گول تبلیغات اغوا کننده فضای مجازی را نخورید و قبل از مشاهده کالا از پرداخت هر گونه وجهی خودداری کنید. وی در پایان خاطر نشان کرد: با توجه به افزایش پرونده های مشکله در این زمینه و با تحقیقات گسترده پلیس فتا تاکنون عاملان همه پرونده ها در این زمینه دستگیر و به دست قانون سپرده شده اند و می طلبد که مردم توصیه های پلیسی را جدی بگیرند تا در دام چنین افرادی گرفتار نشوند.

در گرمای بالای ۴۰ درجه جنوب کرمان صاعقه جان مادر ۶۰ ساله را گرفت

کرمانی- صاعقه در فاریاب کرمان جان مادر ۶۰ ساله را گرفت و سه مصدوم به جا گذاشت. به گفته فرماندار و رئیس شورای تأمین شهرستان فاریاب، به دنبال گزارش یک مورد صاعقه زدگی در روستای «چاه نارنج» این شهرستان به مرکز فوریت های پزشکی، بلافاصله عوامل امدادی در محل حادثه حاضر شدند. به گزارش خبرنگار ما، نیک نفس افزود: در تحقیقات و بررسی صحنه مشخص شد که یک زن ۶۰ ساله و دو فرزندش به همراه یک کارگر در زمین کشاورزی دچار صاعقه زدگی شده اند. وی گفت: متأسفانه در این حادثه طبیعی، مادر بر اثر شدت صاعقه در دم جان باخت و سه مصدوم دیگر از طریق مرکز فوریت های پزشکی به مرکز درمانی منتقل شدند.

نیسان آبی با ۶۷ مسافر چپ کرد!

نیسان حامل ۶۷ سرنشین در محور بوانات واژگون شد. به گزارش ر کنا، محمد جواد مرادیان گفت: بر اثر واژگونی نیسان حامل ۶۷ تبعه افغان در محور بوانات پیچ بژدانه، ۱۴ نفر مصدوم شدند. رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی استان فارس با بیان این که این حادثه فوتی نداشته است، افزود: مصدومان پس از اقدامات در مانی اولیه به بیمارستان ولی عصر (عج) شهرستان بوانات انتقال داده شده اند. علت حادثه از سوی کارشناسان پلیس راه در حال بررسی است.

عکس فوق متعلق به کودکی ام می باشد که از مورخه سال ۱۳۷۵ در مشهد محدوده حرم مطهر گم شده ام از آن سال تاکنون از خانواده خود خبری ندارم و تحت سرپرستی خانواده ای زندگی کرده ام، حال دنبال خانواده اصلی خود (پدر و مادر) می باشم
لطفا کسانی که اطلاعی دارند با شماره تلفن ذیل تماس حاصل نمایند.
۰۹۱۲۵۳۱۷۹۵۱
۰۹۹۰-۱۶۲۹۷

فرمانده انتظامی مشهد از دستگیری دزدان خشن باشلیک پلیس خبر داد ۱۲ قمه زورگیران زبرگلوی کودک ۱۲ ساله!

سجادپور - بعد از حادثه وحشتناک زورگیری، پسر کوچکم حتی از سایه خودش هم می ترسد! دیگر خواب راحتی ندارد! با فریاد از خواب می پر دو تا چند لحظه وحشت زده و گریان به اطرافش می نگرد! از ترس این که باز هم کابوس ببیند، شب ها آرام و قرار ندارد، روزگار مان سیاه شده است و من از دستگاه قضایی می خواهم با این مجرمان مخوف قاطعانه برخورد کند تا در س عبرتی برای دیگر زورگیران باشد و ...

این ها بخشی از اظهارات مرد جوانی است که پسر ۱۲ ساله اش چند روز قبل طعمه زورگیران خشن شده بود. او که پس از دستگیری دزدان مخوف و برای قدردانی از تلاش های ماموران انتظامی و دستگاه قضایی وارد کلا نتری میرزا کوچک خان مشهد شده بود، ضمن تقدیر از سرهنگ عباس صارمی ساداتی (رئیس پلیس مشهد) برای به دام انداختن اعضای این باند خطرناک در باره حادثه تلخ زورگیری از فرزندش گفت: با شیوع کرونا در کشور و گسترش آموزش های فضای مجازی برای دانش آموزان، من هم مجبور شدم یک دستگاه گوشی تلفنی هوشمند برای پسر م تهیه کنم! اما آن قدر بهای گوشی سرسام آور بود که تا مدتی خواب و خوراک نداشتم! از طرفی تا مین ۴٫۵ میلیون تومان پول برایم بسیار سخت بود و از سوی دیگر هم نمی توانستم چشمان اشکبار و چهره غمگین فرزندم را ببینم چرا که همه دوستان و همکلاسی هایش گوشی هوشمند داشتند.

این بود که همه پس اندازم را برای خرید گوشی دادم تا پسر م در تحصیل نماند و نزد دوستانش خجالت نکشد! پسر م که با دیدن گوشی تلفن، برق شادی در چشمانش می درخشید، هيجان زده و خوشحال از خانه بیرون پرید تا گوشی اش را به دوستانش نشان بدهد اما چند دقیقه بعد وحشت زده و

متهم پرونده جنایی اعتراف کرد

سجادپور - متهم فراری یک پرونده جنایی که با صدور دستورات ویژه قضایی تحت تعقیب کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار داشت، روز دوشنبه گذشته خود را تسلیم قانون کرد و پره از از این قتل هولناک برداشت. به گزارش اختصاصی خراسان، صبح چهارشنبه گذشته، مرد جوانی که حدود ۱/۵ سال قبل برای بار دوم از دواج کرده بود، با همسرش درگیر شد. آن ها از مدتی قبل دچار اختلافات خانوادگی شده بودند به طوری که زن جوان از ترس به چهار دیواری مخروبه نزدیکی منزلشان پناه برد تا هدف شلیک همسر عصبانی خود قرار نگیرد اما در همین حال داماد جوان که تصویری کرد همسرش به منزل پدرش گریخته است، اسلحه وینچستر را برداشت و به همراه یکی از دوستانش سوار بر موتور سیکلت به سمت منزل پدرنش در شاهنامه ۴۱ حرکت کرد.

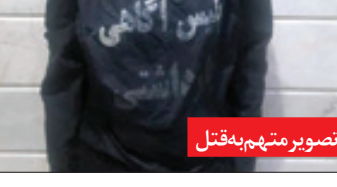
گریان به خانه بازگشت و در حالی که از شدت ترس دست و پاهایش می لرزید، گفت: در حال ارسال پیامک برای دوستم بودم که ناگهان یک جوان



عکس اختصاصی خراسان

موتور سوار، چاقوی بزرگی را زیر گلویم گذاشت و از من خواست تا گوشی ام را به او بدهم و گرنه مرا می کشد! من هم که خیلی ترسیده بودم گریه کردم ولی او چاقو را فشار داد و گوشی ام را گرفت. گزارش خراسان حاکی است، طی چند ساعت بیش از ۳۰ شاکي دیگر که با شیوه های متفاوت طعمه زورگیران خشن شده بودند نیز وارد کلا نتری شدند و دزدان مخوف موتور سوار را شناسایی کردند. عضو ۲۱ ساله این باند خطرناک که به مواد مخدر صنعتی نیز اعتیاد دارد در باره ماجرای سرقت هایش گفت، تا کلاس سوم راهنمایی در س خواندم و بعد از آن به سنگ کاری ساختمان روی آوردم. حدود دو سال قبل بود که با «علی» (عضو دیگر باند) آشنا شدم و با هم به مصرف مواد مخدر پرداختیم. خیلی زود مقدار مصرف بیشتر و ندمی توانستم هزینه های اعتیادمان را

موتور سیکل را دزدیدیم و بعد به زورگیری گوشی ادامه دادیم، اما متهم معتاد دیگر این پرونده برای دل سوزی شاکیان روایت عجیبی را در باره انگیزه سرقت هایش مطرح کرد. او گفت: پدرم قصد داشت خانه بخر تا از مستاجری نجات پیدا کنیم ولی پولش کم بود به همین دلیل من هر روز صبح به بهانه رفتن به سرکار از خانه خارج می شدم و به همراه دیگر اعضای باند زورگیری می کردم تا با فروش گوشی های سرقتی به پدرم کمک کنم! اما نفر سوم این باند از حدود دو ماه قبل با ما همکاری می کند چرا که من و ابو الفضل سوم راهنمایی در س خواندم و بعد از آن به سنگ کاری ساختمان روی آوردم. حدود دو سال قبل بود که با «علی» (عضو دیگر باند) آشنا شدم و با هم به مصرف مواد مخدر پرداختیم. خیلی زود مقدار مصرف بیشتر و ندمی توانستم هزینه های اعتیادمان را



عکس اختصاصی خراسان

حالی ادامه یافت که پلیس در بازرسی از منزل تازه داماد یک قبضه سلاح وینچستر دیگر و مقداری مشروبات الکلی نیز کشف کرد. شایان ذکر است، طی روزهای گذشته با صدور دستورات ویژه قضایی و اجرای چند طرح هماهنگ با راهنمایی های سرهنگ جواد شفیع زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) عاملان چندین پرونده جنایی به چنگ قانون افتادند.



تصویر متهم به قتل

تأمین کنیم! برای خرید مواد مخدر صنعتی پول کم می آوردم به همین دلیل و با پیشنهاد «علی» گوشی قابی را آغاز کردیم. برای این کار نیاز به یک دستگاه موتور سیکلت داشتیم که ابتدا

حوادث

۹

در امتداد تاریکی

سرگذشت آفت!

سال های زیادی را پشت میله های زندان گذراندم در واقع زندان خانه اصلی من بوده طوری که مدت های کوتاه دوران آزادی ام را به خاطر ندارم. آخرین بار حکم ۱۸ سال زندان بر پرونده سیاهم خورد اما ... زورگیر ۳۳ ساله ای که در عملیات ضربتی کارآگاهان تجسس کلانتری شهرک ناجای مشهد دستگیر شده است در حالی که بیان می کرد ۱۴ سال از زیباترین روزهای جوانی ام را به خاطر زورگیری، مواد مخدر و مشروبات الکلی در زندان گذرانده ام در باره سرگذشت اسفبار خود به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: در یک خانواده متوسط به دنیا آمدم پدرم نظامی بود با همه توانش از من و خواهران و برادرانم حمایت می کرد با این حال من به خاطر این که علاقه ای به تحصیل نداشتم در کلاس اول راهنمایی ترک تحصیل کردم و فرصت های زیادی را از دست دادم اگر چه سال ها بعد فهمیدم که چه اشتباهی کرده ام اما دیگر آه و افسوس فایده ای نداشت و من در مسیر تباهی افتاده بودم در واقع مسیر خلاف زندگی من از ۱۶ سالگی زمانی آغاز شد که تحت تاثیر هیجانات دوران جوانی قرار می گرفتم و تلاش می کردم تا برتری خودم را به دوستانم اثبات کنم. از سوی دیگر همواره توسط اطرافیان و پیچه محل ها تحریک می شدم و از سر غرور جوانی رفتارهایی انجام می دادم که هر کدام از آن ها از نظر قانونی جرم بود ولی من هدف خاصی نداشتم و تنها برای خودنمایی و خودبزرگ بینی به این رفتارها دست می زدم در همان نوجوانی شاگرد جوشکار ساختمانی شدم و خیلی زود به جایگاه استاد کار رسیدم. اگر چه خلاف های کوچک و پنهانی مانند مصرف سیگار، مواد مخدر و مشروبات الکلی را قبل از ۱۶ سالگی آغاز کرده بودم اما در این مدت این گونه خلا ف های اوچر سید به طوری که دیگر آشکارا مواد مصرف می کردم سیگار کنج لیم می گذاشتم تا همه به من توجه کنند و بدانند که من بزرگ شده ام این در حالی بود که پدر و مادر م خیلی نسبت به مواد مخدر حساس بودند و همواره ما را تشویق به یک زندگی سالم می کردند ولی مسیر تباهی من آغاز شده بود. در همین سال ها پدرم فوت کرد و مادر م برای آن که من به دنبال کار خلاف نروم نیمی از حقوق پدرم را به من می داد با این حال من نه تنها دور دوستان نابایم را خط نکشیدم بلکه بیشتر با آن ها دمخور شدم چرا که آرام آرام به مصرف مواد مخدر صنعتی روی آورده بودم و دیگر این پول ها کفاف هزینه هایم را نمی داد. ۱۹ سال بیشتر نداشتم که به پیشنهاد مادر م دواج کردم.

این در حالی بود که تازه گی از زندان آزاد شده بودم و مادر م تصویری کرد اگر از دواج کنم مسیر زندگی ام تغییر می کند با وجود این من در مرداب خلا فکاری دست و پا می زدم. آرام آرام به سرقت و زورگیری روی آوردم تا هزینه های اعتیاد مرا تأمین کنم ولی باز هم دستگیر شدم و تولد فرزندم را ندیدم زمانی از زندان آزاد شدم که پسر یک ساله بود. در عین حال از سختی های زندان و غروب های هولناک آن جادرس عبرت نگرفتم و همچنان سراغ دوستان معتادم رفتم این بار چند معتاد را به خدمت گرفتم تا برایم مواد مخدر بفروشند اما من دخیلی از خرده فروشان مواد مخدر هیچ وقت راضی به وضعیت مالی خوبی نداشتم چرا که خیلی راحت دیگران سرم کلاه می گذاشتند یا معتادان دیگر مواد مرا می در دیند تا خانواده ام دور ماند و سرگرم خلا فکاری های خودم بودم به گونه ای که فرزندانم برانمی شناختند در همین حال از نظر روحی نیز کاملاً به هم ریخته بودم پر خاشگری و نزاع هم جزئی از رفتارهای خطرناکم شده بود و در میان خلا فکاران حرفه ای به آفت معروف شده بودم چرا که نه تنها به دیگران صدمه می زدم و درگیری به راه می انداختم گاهی نیز خودنمی می کردم و به خودم آسیب می رساندم هیچ گاه به عاقبت کارهایم نمی اندیشیدم همیشه با خودم می گفتم «الا ن را عشق است! همین لحظه را خوش باشم! در واقع فقط همان لحظه را می دیدم و به آینده فکر نمی کردم. بارها به خاطر ارتکاب جرایم و وحشتناک زندانی شدم ولی عوض نشدم چندین بار تصمیم به خودکشی گرفتم چرا که فکر می کردم به درزندگی نمی خورم از دیدن بی سروسامانی فرزندانم عذاب می کشیدم ولی افسار زندگی ام دست مواد مخدر بود. آخرین وقت که برای تحمل ۱۸ سال مجازات روانه زندان شدم همسر م از من طلاق گرفت و به دنبال سرنوشت خودش رفت اما من بعد از ۸ سال عفو خودم و آزاد شدم بعد از آزادی به زورگیری باقمه پرداختم و تحت تعقیب بودم که به طور غافلگیرانه در دام نیروهای انتظامی افتادم ...

شایان ذکر است تحقیقات از این زورگیر حرفه ای با دستور سرهنگ میثاقی (رئیس کلانتری شهرک ناجای مشهد) ادامه یافت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

یک شرکت معتبر زعفرانی
باسابقه ۵ سال فروش موفق دارای استانداردهای ISO و غذاودارو. از ما بشکاف میکروسی و شیمیایی و خط تولید در حال کاربا خروج ماهیانه ۲۰۰۰ به بالا به فروش میرسد. **۰۹۱۵۳۲۹۱۵۴۳-۰۹۱۵۳۲۹۷۷-۰۹۱۵۳۲۹۱۵۴۳**
۰۹۱۵۳۲۹۷۷-۰۹۱۵۳۲۹۱۵۴۳
۰۹۱۵۳۲۹۷۷-۰۹۱۵۳۲۹۱۵۴۳